شاعران معاصر برزیلی

ترجمه:همایون نوراحمر

برزیل نویسندگان برجسته‏ای در زمینه تاریخ،نقد،جامعه‏شناسی و شعر پدیدآورده است.و یکی از رمان‏نویسان این سرزمین به‏ نام ماچادو دو آسیس زبان و ادبیات پرتغالی را برای بیان افکار خود در اشعار برگزیده است.بسط و توسعه ادبی،همانند جنبه‏های‏ تاریخی این نویسنده با جنبه‏های ادبی سرزمینهای اسپانیایی زبان تباین دارد.

ادبیات برزیل در اسپانیای قرون شانزده و هفده سخت درخشیده است،اما تا قرن هجدهم هنوز از ادبیات برزیلی سخن به میان‏ نیاورده بودند.از این زمان به بعد فرم نیرومند رمانتیسم در این سرزمین سر به در آورد که تأثیر آن غیرقابل انکار است،شاعران‏ برزیلی تحت تأثیر روند پارناسی مکتب شعری فرانسه و سمبولیستهای فرانسوی قرار گرفتند که غالبا اشعار عالی سرودند.

در اوایل قرن نوزدهم شعر برزیلی بیان واقعی و بومی خود را به دست آورد.انقلابی روحانی نه تنها به شعر تأثیر گذاشت،بلکه در تمامی فرمهای فرهنگی،عصر جدیدی را در ادبیات پدید آورد که جهانی به شمار آمد.رهبر این نهضت خلاق،ماریو دوآندراد(1893 -1945)شاعر فولکلوریک بود که در آثار خود،فرمها و زبان جدیدی درباره زندگی عرضه داشت.قدرت و وفور شعر معاصر برزیلی‏ در ارتباط با زنده دلی و زندگی این سرزمین هماهنگی دارد.تنوع فراوانی می‏توان در اشعار برزیلی یافت که افکار شاعران این خاک‏ و کشور را دربرمی‏گیرد.

سودازدگی و غم،طعنه،طنز،کنایه،تحمل و بردباری و احساس عمیق مذهبی و غیر اورتودکسی از ویژگیهای اشعار برزیلی است. اضطراب،نگرانی،نزاعها و کشمکشهای زندگی معاصر را می‏توان در اشعار برزیلی لمس کرد.از زمان مرگ خورخه دو لیما شاعرانی‏ چون مانوئل باندریا،کارتوس دروموند و اوگوست فردریک اشمیت در برزیل ظهور پیدا کرده‏اند که شاعرانی برجسته به‏شمار آمده‏اند.

سرزمین موعود

از:رایموندو ماگاهائس

روزنامه‏نویس،کوتاه‏نویس،شاعر و نمایشنامه‏نویس از ایالت سئادا در 1927 به دنیا آمد.او یکی از«نویسندگان سال کبیسه»به شمار آمده است که به طور پراکنده اما با کیفیتی رفیع شعر می‏گوید:

ای اعراب،ای سوریانها،ای آمریکاییان،

ای ترکها،ای سوئدیها،ای فنلاندیها،ای ایتالیایها،ای لهستانیها بیایید،

ای،ای چکها،و ای نیپونزها بیایید،

ای آزادگان سرزمینهای دنیای کهن

بیایید،

بیایید.

ما چشم‏اندازها و نانهایمان را با شمایان تقسیم می‏کنیم

فقط...

اندکی از آنها را برایمان باقی بگذارند.

لحظه‏ای در قهوه‏خانه

از:مانوئل باندیرا

این شاعر در 1986 در ریسیف به دنیا آمد و اکنون استاد ادبیات در دانشگاه ریودو ژانیرو است و او را یکی از شاعران برجسته برزیلی‏ می‏دانند که ریاست آکادمی ادبی این کشور را برعهده دارد:

مردانی که در قهوه‏خانه بودند،

وقتی مرده را در تابوت می‏بردند،

بی‏اراده کلاههایشان را از سر برداشتند

و گیج و پریشان خاطر به زندگی اندیشیدند.

در زندگی غوطه‏ور گشتند،

و زندگی را باور کردند.

اما یکی‏شان آرام و متفکرانه سرش را برهنه کرد،

چشمانش تابوت را بدرقه کرد.

آخر می‏دانست که زندگی غوغا و جدالی بیهوده و بی‏هدف است،

و به مرده که در تابوت می‏گذشت،

و چشمانش جاودانه از روح تهی گشته بود،

سلام کرد.سلامی دوباره!

روبین کروزو

از:آفونسو آرینوس دوملو فرانکو

برادرزاده یک نویسنده برجسته با همین نام که منتقد و مورخ‏ نامداری است و آثارش در برزیل به چاپ می‏رسد.آفونسو برای‏ تفنن خودش شعر می‏گوید و اشعارش استعداد واقعی او را برملا می‏سازد:

و من گفتم قایقی خواهم ساخت

تا مرا از تمامی جزیره‏ام برهاند

از جزیره متروکم که آبهای غضبناک و خروشان به چرخش در آمده‏اند.

بزودی ارشه نیرومند و عظیم قایق را به روی شنهای باکره آوردم،

و دماغه بلند آن چونان پرنده‏ای مهاجر مغرور بود.

پاروها با به قایقم دادم تا شکم امواج را پاره کند.

بادبانهای سپید و بزرگ آن را برافراشتم

تا به اهتراز درآیند...

آه،مرگ در تنهایی مکتوم و جاودانه

و آزادانه پرواز کردن به روی آبهای آبی و سنگین

چه لذت‏بخش است!

اما وقتی تمامی نیرویم را از کف نهادم،

دریافتم که قایقم بس سنگین و خام دستانه است،

و هرگز نخواهم توانست آن را به دریا رهنمون گردم.

زائران

از:کارلوس دروموند دی آندراد

یکی از بنیانگذاران شعر،در ایالت میناس گرائس برزیل به دنیا آمد. اشعار او ویژگیهای کشورش را محافظه‏کارانه طعنه‏آمیز و بذله‏گویانه‏ و شفقت‏آمیز بیان می‏کند:

زائران از دامنه کوه بالا رفتند

شتابانه به روی خارها و سنگهای ناهموار گام برداشتند

و گناهانشان را به روی خارها افشاندند

تا به خداوند برسند

زنگهای غوغای سرکشانه‏ای برپاداشتند:

بیایید و گناهانتان را بشویید.

و ما چنین کردیم.

اکنون پاک شده‏ایم.

زنگها بدانید که اکنون شادمانیم.

بر فراز کوه صوف مراسم را نظاره می‏کنیم

و یک جذامی با پرچمی صوف را رهبری می‏کند

دامن زنانه در باد می‏رقصد.

مرد می‏خواند،بی‏هیچ مکثی سرودش را می‏خواند

مسیح پریده رنگ بر صلیب می‏میرد

هوا گرم نیست،اما بسیار غوغا می‏کند و طنین می‏افکند

خون از چشمان مسیح،این قدیس بزرگ فرو می‏ریزد.

کسی را پروایی نیست.

در صحن کلیسا

تصاویری از چیزهای عجیب و سیگار

و یک خورشید عظیم با هاله زرین

و زخمهای خاک‏آلوده و چوب زیر بغل می‏دهند.

ای مسیح،ای مسیح نیرومند و مهربان من

فروتنانه تمنا دارم عطیه‏ای ارزانیم دار

آه،ای مسیح شفایم بده،نه بیماری جذامم را،

بلکه عشقی را که در قلبم خانه گرفته و دیگر بازنمی‏گردد.

ای مسیح،ای مرشد من،مسکوکی برایم گسیل دار

تا بتوانم برایت چیزهای گرانبهای ابتیاع کنم و شادم کند

که کس دیگری در کشورم نداشته باشد.

ای مسیح،ای خداوندگار من که بر صلیب کوبیده شده‏ای،

مرا دلاور گردان تا بتوانم

آن کس را که شبان و روزان آرازم می‏دهد،

و پیوسته با همسرم بذله‏گویی می‏کند،هلاک گردانم

ای مسیح،ای مسیح بر من ترحم آور.

من یک سارقم،اما مرد بدی نیستم

ای مسیح،ای خداوندگار من نمی‏دانم از چه روی مرا دنبال می‏کنند،

مگذار آنان مرا در چنگ گیرند.

زائران چنین تقاضایی دارند

با چشمانشان و با دهانشان و با دستهایشان

ای مسیح می‏دانم از این همه خواسته‏ها فرسوده شده‏ای

از من و از انسانهای دیگر.

اقتراح ترجمه شعری از پابلو نرودا

Pablo Neruda

غلامرضا حسن‏پور

به من بگوئید

آیا گل سرخ عریان است

یا عریانی تنها لباس اوست؟

درختان،از چه،شکوه ریشه‏هان را

پنهان میدارند؟

چه کسی فریاد تأسف اتومبیل به سرقت رفته را می‏شنود؟

آیا در جهان،چیزی مغموم‏تر از قطار ایستاده در زیر باران سراغ دارید؟

فرزاد نصیری شهنی

به من بگو که گل سرخ برهنه است،

یا برهنگی تنها پیراهن اوست.

چرا درختان پنهان می‏دارند

جلوه‏های زیبای ریشه‏هایشان را

-آیا دریغ‏های اتومبیل دزد را می‏شنوند.

جهان اندوهگین‏تر از قطاری ایستاده است

آیا آنجا باران بر همه‏چیز می‏بارد.